



مرگ رئیسی جلاد و شادی توده‌ها!

با تأیید رسمی مرگ رئیسی جلاد، عضو "هیات مرگ" جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۷ و یکی از عاملین قتل عام هزاران تن از بهترین نوجوانان و جوانان مردم ایران در کشتار سیستماتیک دهه خونین ۶۰، موجی از شادی و شعف جامعه تحت سلطه و توده‌های رنج‌دیده ما بویژه بازماندگان داغدار جنایات و تبه‌کاری‌های توصیف ناپذیر این مهره مزدور و خادم نظام استثمارگر حاکم را فرا گرفت. رئیسی روز گذشته، در جریان سقوط هلی کوپتری که حامل وی و چند تن دیگر از مهره‌های سرشناس حکومت، از جمله امیر عبدالهیان وزیر خارجه رژیم، آخوند آل هاشم امام جمعه تبریز و مالک

رحمتی، استاندار آذربایجان شرقی بود در بازگشت از سفر خود از رودخانه ارس، پس از افتتاح یک سد مشترک با کشور آذربایجان به هلاکت رسید.

رهبر جمهوری اسلامی یعنی خامنه ای تبهکار در اندوه از دست دادن یکی از مهره‌های مهم ماشین استثمار و سرکوب حاکم، با اعلام ۵ روز عزای عمومی به ستایش از این "خدمتگزار صمیمی" نظام و "تلاش‌های بی وقفه" وی در "پیشرفت" امورات نظام دیکتاتوری حاکم علیه توده‌ها پرداخت. او با توجه به آگاهی‌اش از عمق نفرت توده‌ها نسبت به رئیسی و نظام حاکم اطمینان داد که مرگ وی در کار دستگاه حاکم "اختلالی" ایجاد نمی‌کند و فریبکارانه مرگ این مهره مهم برای دستگاه حکومتی را به مردم ایران "تسلیت" گفت. اما تسلیت وی در شرایطی است که مردم مبارز ایران حتی قبل از اعلام رسمی مرگ رئیسی و همراهانش از طرق مختلف و از جمله از طریق ساختن جوک‌های متعدد در وصف خوار بودن و جلادی این مهره تبهکار جمهوری اسلامی و کل حکومت شادی و شعف خود از این که جمهوری اسلامی یکی از مهره‌های کارکشته خود را از دست داده است ابراز داشتند تا جایی که در تهران و سقز و چند شهر دیگر توده‌های به جان آمده با به راه انداختن آتش بازی و رقص به این حادثه عکس العمل نشان دادند و گوشه ای از خشم و نفرتشان از یکی از منفورترین دشمنان خود در رژیم حاکم را به نمایش گذاردند.

بدون شک حذف رئیسی به عنوان یک جلاد منفور، شخصی که از ۲۰ سالگی در مناصب دادستانی و سپس عضویت در هیات مرگ و سرانجام به عنوان رئیس جمهور مورد اعتماد خامنه ای به ایفای نقش در سرکوب توده‌ها و حفظ رژیم و نظام دیکتاتوری حاکم پرداخت، ضربه‌ای به رژیم جمهوری اسلامی ست و درست از این زاویه است که ما شاهد خوشحالی وصف ناپذیر مردم و به ویژه جوانان و دهن کجی آنها به حکومت هستیم. اما واقعیت این است که با توجه به ساختار اقتصادی-سیاسی حاکم بر کشور ما یعنی نظام سرمایه داری وابسته که دیکتاتوری عریان روینای ذاتی آن است مرگ و یا از صحنه خارج شدن هیچ‌یک از مهره‌های تبهکار حاکم به خودی خود منجر به تغییر و بهبود شرایط فاجعه بار حاکم بر زندگی کارگران و زحمتکشان ما نمی‌گردد. این حکومت و سیستم حاکم تنها در جریان یک انقلاب توده ای قهرآمیز و برخوردار از یک رهبری انقلابی، سرنگون خواهد شد، امری که مبارزات کارگران و زحمتکشان و اقشار تحت ستم در ابعاد کوچک و بزرگ و قیام‌های متعدد قهرآمیز مردمی علیه کل نظام حاکم که به خصوص در سالهای اخیر شاهدش بودیم راه را برای این سرنگونی هموار می‌کنند.

در انقلاب پیروزمند ایران تک تک مزدوران و مجریان جنایت علیه مردم ما یا در صحنه نبرد توسط توده‌های پر خشم و کین به سزای اعمال خود رسانده خواهند شد و یا در محاکمات خلقی و علنی به سزای اعمال خود خواهند رسید، محاکماتی که طی آن این جانپان پرده از تاریکخانه اسرار و اعمال جنایتکارانه خود در بارگاه توده‌ها بردارند تا محاکمه و مجازات آنان به امر رشد آگاهی مردم ما و تجربه اندوزی آنان یاری رساند. آرزوی واقعی مردم ما رسیدن به چنین شرایطی است. ابراز شادی توده‌های در بند و داغ‌دیده ما نیز از مرگ رئیسی جلاد به مثابه یکی از منفورترین مهره‌های جمهوری اسلامی تنها گوشه‌ای از شدت و عمق این آرزوی دیرینه و مشروع آنان جهت نابودی این رژیم را به نمایش می‌گذارد.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
هر چه توفنده تر باد مبارزات دلیرانه مردم ما برای نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال!
پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!

چریکهای فدایی خلق ایران
۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲